

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه امام خمینی (ره) و محورهای دوازده گانه سند پکن (۲)*

نویسنده: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان

چکیده

بررسی مقایسه‌ای محورهای دوازده گانه سند پکن، بافرازهایی از گفتار و نوشتار امام خمینی (ره)، محورهایی بدان افزوده شده یا ترتیب ذکر محورهایی نیز به دلیل اهمیت آن در نگاه امام خمینی (ره) و از سویی چون امام در چنین قالبی تخصصی مطالب تفصیلی زیادی ندارد و یا در مقام بحث برنیامده است، جایجا شده است. در واقع مقولات اجلاس‌های بین‌المللی هریک می‌تواند به مثابه نوعی طرح پرسش از امام باشد و تدوین دیدگاه یا پاسخ صریح و فتوا و حکم امام درقبال هریک از آنها می‌تواند به ارائه آموزه منسجم در بحث زنان کمک کند.

روش این نوشتار براین استوار است که مسائل و شبهات زنانگی را به مثابه پرسش در مقابل امام و نوشتارها و گفتارهای وی قرار دهد و آن را به نطق و ادوار کند و تولید پاسخ کند. بنابراین محورهای دوازده گانه موضوع بحث ما است. و هریک از محورهای دوازده گانه سند پکن بیان شده و سپس از نظر امام دیدگاه ایشان در این خصوص مطرح شده است. در واقع امام نوعی آینده پردازی نسبت به دیدگاههای مطرح شده در سند پکن در مورد زنان کرده اند و بعضاً مواردی که از نظر ایشان در این سند نادیده گرفته شده است نیز آورده‌اند.

کلید واژگان: امام خمینی (ره)، سند پکن، خانواده، زنان

* این مقاله برگرفته از پروژه ای به همین نام است که در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان سپاه توسط آقای دکتر ابراهیم برزگر انجام شده است.

زنان در قدرت و تصمیم‌گیری (به عنوان انتخاب شونده و انتخاب کننده)

مقدمه

مسئله وارگی رابطه زنان و سیاست در دو محور جداگانه قابل طرح است. الف) زنان و سیاست به عنوان انتخاب کننده؛ ب) زنان و سیاست به عنوان انتخاب شونده. موضوع اول مقدم بر دوم است. زیرا حق رأی دادن و مشارکت سیاسی از حقوق اولیه زنان در زندگی عمومی است و در مراحل عالی تر تقاضای حق انتخاب شوندگی مطرح می‌شود. مرتوس و همکاران در بحثی با نام «حقوق انسانی زنان در سیاست، زندگی عمومی و رسانه‌های گروهی» بر اهمیت حضور زنان در قدرت تأکید می‌کنند تا به این وسیله خط‌مشی‌ها و قوانینی که حامی و تعالی دهنده حقوق انسانی زنان است به تصویب رسیده و پشتوانه اجرایی پیدا کند. آنان ضمن ارائه آمارهایی از حضور اندک زنان در سیاست، (مرتوس و مکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۵) «موانع مشارکت سیاسی زنان» را در سه عامل «خانواده»، «فرهنگ جامعه» و برخی از «باورهای غلط دینی» به شرح ذیل می‌دانند:

- الف) نگرشها و شیوه‌های تبعیض‌آمیز نسبت به حضور زنان در سیاست؛
- ب) روابط نابرابر قدرت میان زنان و مردان در خانواده؛
- ج) مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزند؛
- د) نبودن مسائل مورد علاقه زنان در دستور کارهای سیاسی؛
- ه) نداشتن تجربه در امور عمومی و سیاست؛
- و) بالا بردن هزینه جستجو و تصاحب مناصب دولتی؛
- ز) وجود فرهنگ برندگان و بازندگان در رویارویی‌های سیاسی؛

ح) ملقب کردن مردان به لقب «سرپرست خانوار» برای همه مقاصد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛

ی) پایین بودن اعتماد به زنان. (همان)

آنان در بحث مانع بودن مذهب و مشارکت سیاسی زنان، شواهدی از بدرفتاری طالبان، بنیادگرایان الجزایری و هندی علیه زنان ارائه می‌دهند (مرتوس و مکاران، ۲۵۵-۲۶۱). ضمناً سهم دسترسی زنان به مناصب دولتی بعد از انقلاب تناسبی با سهم مشارکت زنان در انقلابهای سیاسی جهان ندارد (مرتوس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲).

بنابراین پیشنهاد آنان باید زنان در تصمیم‌گیریها به میزان برابر با مردان نقش داشته باشند، بدون آن حقوق و منافع زنان در سیاستگذاریهای دولتی تأمین نخواهد شد. زنان باید در ساخت قدرت و در قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضاییه حضور و مشارکت داشته باشند و هزینه‌های گزاف آنان به مناصب دولتی کاهش یابد و رقابتی شود (سند پکن، ۱۳۷۵، ۱۴۰). نگرشهای مذهبی مانع مشارکت زنان باید اصلاح شود. امور زنان باید در دستور کار احزاب سیاسی درج شود تا انگیزه به مشارکت در آنان تقویت شود. احزاب ترغیب شوند تا توازن جنسیتی را در فهرست نامزدهای خود رعایت کنند (سند پکن، ۱۳۷۵، ۱۴۲-۱۴۴).

دیدگاه امام خمینی^(ره). الف) زنان و سیاست به عنوان انتخاب کننده

در این باره مطالب زیادی وجود دارد به نحوی که یکی از محورهای پرمطلب اما را تشکیل می‌دهد. می‌توان آنها را به شکل زیر تئوریزه کرد:

باورهای مذهبی در این نگرش نه تنها مانع مشارکت و حضور عینی زنان در سیاست نمی‌شود، بلکه این نگرش، مشارکت را حق طبیعی زنان و حتی بالاتر از آن یک

تکلیف شرعی برای زنان می‌داند. این بدان معناست که عدم مشارکت به معنای عدم انجام نوعی تکلیف دینی و عبادی است.

«خانمها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان این است.» (صحیفه نور، ۱۳۶، جلد ۹).

«با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. شرکت در این امر [رفراندم] برای هر مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۲۰۷).

«زن باید درس‌نویس خودش دخالت داشته باشد، زنها در جمهوری اسلامی رأی باید بدهند. همانطوری که مردان حق رأی دارند، زنها هم حق رأی دارند.» (صحیفه نور، جلد ۱، ۲۵۴).

بنابراین زنان در اندیشه سیاسی اسلام نه تنها از حق رأی برخوردارند، بلکه تکلیف دینی آنان است که به عنوان یک رفتار عبادی در انتخابات، به عنوان انتخاب کننده وکیل خود دخالت کنند. مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه امام اولاً حق زنان و ثانیاً تکلیف مذهبی آنان است البته در اکثر موارد بعد تکلیف آن قوی‌تر است. یعنی رفتار سیاسی زنان نه به عنوان یک علاقه شخصی بلکه به عنوان یک موضوع مورد تأیید و توصیه مذهب، پشتوانه پیدا می‌کند:

«به زن و مرد و آن کسی که به حد رأی دادن قانونی رسیده، واجب است این مسئله که در پای صندوقهای تعیین رئیس جمهور حاضر شود و رأی بدهند.» (صحیفه نور، جلد ۱۵، ۶۷).

به همین دلیل امام خمینی^(ره) حق رأی زنان مسلمان را بالاتر از آن چیزی می‌داند که در غرب است. چون در اینجا نوعی پشتوانه عبادی و مذهبی هم آن را حمایت می‌کند:

« زنها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها ما قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب شدن دارند.» (صحیفه نور جلد ۵، ۲۲۱)

رعایت ضوابط شرعی در مشارکت سیاسی

چون فقه و احکام فقهی دانش رفتار سیاسی و از جمله رفتارشناسی سیاسی است و احکام، متکفل کنشها و واکنشهای انسان مذهبی و زنان متعهد است و از آنجا که گفته شد رفتار سیاسی هم حق انسانی و فراتر از آن تکلیف مذهبی زنان است. از این رو زنان باید دربروز این کنشها ضوابط شرعی را رعایت کنند. پس مشارکت سیاسی زنان باید معطوف به دو دسته محدودیت باشد:

اولاً محدودیتهای کلی که هم شامل آقایان و هم خانمها می‌شود.

ثانیاً محدودیتهای خاص بانوان در مشارکت سیاسی و اختلاط با مردان که همان ضوابط، نظیر رعایت حجاب و عفاف اسلامی است. پس بنابراین، این محدودیت خاص زنان و توجه به حفظ ضوابط شرعی در مشارکت سیاسی و حضور اجتماعی زنان ضروری است.

« زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته باحفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.» (صحیفه نور، جلد ۱۵، ۲۶۴).

نفی تواکل و به انتظار دیگری و یا به انتظار مردان نشستن از دیگر ارکان رفتارشناسی سیاسی زنان از دیدگاه امام خمینی^(ره) است. در ادبیات رفتارشناسی سیاسی این امر پیوسته به عنوان یکی از موضوعاتی یاد می‌شود که موجب می‌شود میل به مشارکت در افراد پایین بیاید و آمار شرکت کنندگان کم گزارش شود. (رابر گال) اما امام خمینی^(ره) با تیزبینی این موضوع را درمی‌یابد و از زنان می‌خواهد که به تصور شرکت مردان از مشارکت خودداری نکنند:

« این آشفته‌گی‌ها باید به دست ما و شما، به دست ملت و دولت، تنها، هیچ کدام نمی‌توانند این کارها را درست بکنند. اگر خانمها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند یا مردها خیال کنند که کنار بروند و خانمها این کار را انجام بدهند یا هر دو خیال بکنند دولت انجام بدهد یا هر سه خیال کنند روحانیت انجام بدهد. این خیال، خیال صحیحی نیست.» (صحیفه نور، جلد ۹، ۱۱۰).

تشویق به کسب بینش سیاسی و دینی یکی از توصیه‌ها و راهبردهای امام خمینی^(ره) برای تقویت مشارکت سیاسی زنان است. ضعف بینش سیاسی نیز یکی از موانع مشارکت و بی‌علاقگی زنان به سیاست است.

“ در بین بانوان ایران، هم بینش دینی هست و هم بینش سیاسی و از آن چیزی که شما را بازمی‌داشت اینک فعالیت سیاسی و دینی بکنید، آن موانع مرتفع شد.» (صحیفه نور، جلد ۱۷، ۲۱۱)

حق اظهار نظر و نقد و ارزیابی مستمر رفتار حکومتگران در سطوح مختلف و نظارت بر کارهای مجلس و دولت و سایر ارکان نظام سیاسی از فعالیت‌های تشویقی و ترغیبی امام نسبت به زنان است.

« باید همه زنها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند، هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند.» (صحیفه نور، جلد ۱۳، ۷۰)

رفتار سیاسی، رفتار پرهزینه و پرزحمتی است، اگر این کار جنبه مذهبی و دینی پیدا کند به واسطه وجه الهی آن استمرار پیدا می‌کند و فرد را از نیمه راه منصرف نمی‌کند و عامل موفقیت آن خواهد شد.

« شما بانوان هم که مشغول یک عمل اسلامی، انسانی شده‌اید، جازم باشید به اینکه چون برای خدا دارید این کار را ادامه می‌دهید، موفق خواهید شد. » (صحیفه نور، جلد ۱۵، ۵۰)

استقلال رأی از همسر و مردان خانواده در حوزه‌ها و انتخابهای مذهبی و سیاسی. از مفاد بسیاری از اظهارات امام خمینی^(ره) درباره پیشقدمی زنان بر مردان در سیاست و عرصه‌های دیگر و از متن اظهاراتی که مشارکت سیاسی زنان را یک حق و یک تکلیف دینی برمی‌شمارد استفاده می‌شود که در این گونه مشارکتها اذن شوهر، شرط نمی‌باشد. همچنان که در انتخابهای دیگر نظیر انتخاب «مرجع تقلید» باید استقلال رأی داشته باشد و متابعت از همسر در این گونه موارد جایز نیست.

«سؤال: بفرمایید زن شوهردار چگونه باید تقلید کند و می‌تواند مجتهد دیگری داشته باشد و اگر می‌تواند منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر دارد یا نه؟
جواب: زن در تقلید مستقل است.» (استفتائات، جلد ۱، ۱۳)

«پیشتازی زنان و پیشقدم بودن آنان بر مردان در نگرش و مشاهده عینی. در این محور، امام مشاهدات عینی خود از سلسله رخدادهای انقلاب، جنگ را استقرا و تئوریزه می‌کند. در اینجا نیز این فرضیه آرایه می‌شود که زنان با گسستن پندارهای قالبی و بازدارنده در مشارکت سیاسی که به یاری رهبران انقلاب صورت گرفت، توانستند اولاً عقب ماندگی تاریخی خود را در رفتار سیاسی و تأثیرگذاری بر سرنوشت جامعه جبران کنند و همدوش و همگام مردان شوند. ثانیاً از مردان نیز سبقت گرفتند و پیشقدم شدند و جلوتر از مردان دست به اقدام زدند.»

«بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند.» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ۱۷۲)

«شما دلیرزنان در این پیروزی پیشقدم بودید و هستید.» (صحیفه نور، ۱۶۲)

«بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه‌ها بیرون آمدند و در راه انقلاب اسلامی زحمت کشیدند... و مردها هم بسیاری به تبع زن‌ها این کارها را کردند.» (صحیفه نور، جلد ۱۱، ۱۶۲)

«در نهضت پیشقدم بودند و ایثار مال هم پیشقدم.» (صحیفه نور، جلد ۶، ۱۹۶)

در جای دیگر با قید "کراراً گفته‌ام" که از حیث روش تحلیلی محتوا و متن، واجد ارزش خبری و بیانگر محوریت آن در اندیشه ایشان نسبت به زنان است، می‌گویند:

«بانوان را در این نهضت پیشقدم می‌دانم و کراراً گفته‌ام که بانوان حق بیشتری بر اسلام دارند.» (تبیان، ۱۷۵)

امام در پیشقدمی و سبقت‌گیری زنان از مردان در رفتار سیاسی خود در بحبوحه انقلاب، به فرضیه "رفتارسازی سیاسی" زنان اشاره دارند. به نظر ایشان زنان در سیاست بر مردان تأثیرگذاری داشته و دارند و برای آنان رفتارسازی سیاسی می‌کنند. برخلاف تصور رایج که زنان به دلیل تبعیت از شوهران یا مردان خود، از آرای آنان در سیاست و رفتار سیاسی پیروی می‌کنند. (بشبه، ۱۳۸). امام شاید به دلایل شناخت عرفانی خود از زن یا به دلیل مشاهدات عینی خود از واقعیات جامعه ایران، قضیه را معکوس می‌کند. این زنان بودند که سرمشق و الگوی عملی مردان شدند. این زنان بودند که الهام‌گر مردان بودند. این زنان بودند که قوت قلب دهنده و تقویت‌کننده روحیه مردان در مبارزات بودند و این زنان بودند که مردان را تشجیع می‌کردند و رگ غیرت آنان را برای مبارزه تحریک می‌کردند.

«شما بانوان...مقدم بر مردها هستید و مردها از شما الهام گرفته‌اند.» (صحیفه نور، جلد ۲۲، ۲۱۹)

«زنان و بویژه قشر متوسط محروم آنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را نیز، میدان بکشند.» (صحیفه نور، جلد ۱۶، ۱۲۶)

«مردها اگر یک سستی هم احتمال می‌رفت در آنها باشد. همان معنا [مشارکت زنان] آنها را شجاع کرد، مرد وقتی دید زنها آمده‌اند مشغول یک عملی هستند، مردها شجاع می‌شوند.» (صحیفه نور، جلد ۷، ۴۷)

«بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد در این پیروزی پیشقدم هستند. آنها مردان را تشجیع کردند. مردان ما مرهون شجاعت‌های شما زنهای شیردل هستند.» (صحیفه نور، جلد ۱۱، ۲۵۳)

«بانوان که بیرون می‌آمدند، مردم تهیج می‌شدند، چند مقابل می‌شد قدرت مردم.» (صحیفه نور، جلد ۸، ۱۷۸)

«همین خواهرها که ریختند در خیابانها و در مقابل توپ و تانک تظاهرات کردند و مشت گره کردند، اینها مردها را، دو چندان کرد.» (صحیفه نور، جلد ۹، ۲۳۶)

مشارکت سیاسی زنان در یک تلقی سیستماتیک باید با حفظ عفاف اسلامی، حجاب اسلامی و حدود اسلامی، عدم خلل در فعالیتهای خانوادگی و انسان‌سازی و محبت‌ورزی به کودکان خود و به طور ترجیحی با رضایت همسر باشد. اصل مفسده‌برانگیز نبودن و رعایت مصالح ملی نیز در این گونه فعالیتها باید رعایت شود.

«زنها هم باید در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است.»

(صحیفه نور، جلد ۱۸، ۲۶۳)

«شما خواهران و عزیزان توجه داشته باشید در این محیطی که هستید رعایت احکام اسلامی را بکنید. (صحیفه نور، جلد ۱۲۸۳)

«زنها و مردها آزادند ولی اگر چنانچه بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند یا خلاف مصلحت مملکت بکنند البته جلوگیری خواهد شد.» (صحیفه نور، جلد ۴، ص ۲۳۳)

«اسلام با کارهای خلاف عفت، با کارهایی که مملکت را به تباهی می کشد و ملت را به عقب می راند، موافق نیست.» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ۲۳۴)

بنابراین مشارکت سیاسی زنان در همه عرصه‌ها نظیر مشارکت سیاسی مردان است و در همه قواعد از آن پیروی می کند. آنچه در مشارکت سیاسی زنان، به عنوان شرط خاص، اضافه می شود، رعایت حجاب اسلامی و عفاف است.

دیدگاه امام خمینی. (ب) زنان و سیاست به عنوان انتخاب شونده.

محور دومی که گفتار و نوشتار امام خمینی^(ره) باید بدان سؤال پاسخ دهد، "امکان و قلمرو انتخاب شوندگی زنان" در سیاست است. گاه سخن از آن است که زنان حق رأی داشته باشند و بتوانند با انتخاب موکلان و نمایندگان در سیاست و تصمیم گیریها اثرگذاری کنند و گاه سخن از سطح بالاتری از مطالبات است و آن حق انتخاب شوندگی و تصدی مسئولیتهایی در سطوح مختلف تصمیم گیری سیاسی نظیر نمایندگی مجلس، وزارت در کابینه، ریاست جمهوری و جز آن.

کلام امام خمینی^(ره) در این سطح تحلیل، صرفاً کلیت موضوع را تأیید می کند و به طور مصداقی وارد مباحث جزئی نمی شود.

« زن و مرد، همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه رأی بدهند،

رأی بگیرند.» (صحیفه نور، جلد ۴، ۵۹)

« زن‌ها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زن‌ها ما قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.» (صحیفه

نور، جلد ۵، ۲۲۱)

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن.» (صحیفه نور، جلد ۴، ۳۴)

«خیال می‌کنند اسلام آمده است که فقط زن‌ها را خانه‌نشین کند. چرا با درس خواندن زن مخالف باشیم؟ چرا با کار کردن مخالف باشیم؟ چرا زن نتواند کارهای دولتی انجام دهد؟» (صحیفه نور، جلد ۴، ۱۰۳)

زنان ایرانی در باب انتخاب‌کنندگی محدودیت قانونی ندارند. اما حق آزادی زنان به عنوان «انتخاب شونده» در مواردی هنوز با محدودیت‌های عملی مواجه است. به نظر برخی از نویسندگان براساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ محدودیتی برای تصدی پست‌های رهبری یا عضویت در شورای رهبری، ریاست جمهوری، وزارتخانه‌ها، عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مدیریت صدا و سیما و ارتش وجود ندارد. (مهرانگیز کار، ۱۳۷۶، ۱۰۸) با این همه در این زمینه هنوز تنگناهای قانونی یا تفسیرهای محدودکننده از قوانین موجود یا آرای فقهی در باب منع تصدی‌گری زنان در سطوح کلان سیاست وجود دارد. علامه شیخ محمد مهدی شمس‌الدین جدی‌ترین کار را در حوزه فقه سیاسی زنان، در محور حق انتخاب‌شوندگان زن به عنوان ریاست و امارت مسلمانان انجام داده است و حتی ادعای اجماع فقها بر عدم رهبری زنان را بی‌مورد دانسته است. (محمد مهدی شمس‌الدین، ۱۹۹۵) گره‌گشایی فقهی وی در این حوزه از نوآوری برخوردار است. اما این بحث مورد استقبال سایر فقهای برجسته قرار نگرفته و موج‌آفرین نشده است.

درباره این قسمت مسئله وارگی زنان در ایران بسیار حاد است. در جمهوری اسلامی ایران زنان تاکنون در پستهای شهردار، نمایندگی مجلس، معاونت ریاست جمهوری، عضویت در هیئت نمایندگی دیپلماتیک و مدیریت سطوح میانه حضور داشته‌اند؛ اما هنوز در عرصه‌هایی مسئله وارگی یا شبهاتی وجود دارد.

محدودیت‌های صریح قدرت زنان. گفتار و نوشتار امام خمینی^(ره) به طور جزئی به این مباحث نپرداخته است. شاید بتوان از لابه‌لای خاطرات مطلبی استخراج کرد. با این همه مرجع تقلید شدن زنان در استفتا زیر منتفی اعلام شده است:

«سؤال: آیا زن می‌تواند به مقام اجتهاد برسد یا خیر؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب: امکان رسیدن به رتبه اجتهاد برای زن هم هست ولی نمی‌تواند مرجع

تقلید برای دیگران باشد.» (امام خمینی، (ره)، ۱۳۷۴، ۷۷)

به طریق اولی ولی «فقیه شدن» آنان نیز منتفی است. (اصغرافتناری، ۱۳۸۰، ۲۸)

زنان در مقام انتخاب شوندگی در طول تاریخ و امر واقع هیچ گاه به نبوت و امامت برگزیده نشده‌اند. یکی از عباراتی که معمولاً با نوعی کج سلیقگی در تولد حضرت فاطمه زهرا^(س) از سوی امام خمینی^(ره) به صورتهای مختلف درج می‌شود این عبارت است که «زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود.» (صحیفه نور، جلد ۱۶، ۱۸۵) برخی از افراد نادان آن را «مدح شبه ذم» در مقام زن می‌دانند که خود به شبهه جدیدی ممکن است تبدیل شود. در حالی که ظاهراً از نظر امام جنسیت مانع نبوت و امامت نمی‌شود بلکه این عدم ظرفیت جامعه جاهلیت و عدم بلوغ فکری شبهه جزیره عربستان و نوع بشر بوده است که مانع نبی شدن حضرت فاطمه زهرا^(س) شده است یا به تعبیر دیگر فشار متحجران دوره‌های مختلف است.

آیت‌الله یوسف صانعی در پاسخ به این شبهه می‌گوید:

« وقتی ما راجع به حقوق زنان صحبت می‌کنیم، می‌گویید، پس چرا یک پیغمبر از زنها نیامده، یک امام از زنها نیامده است. من می‌گویم شرایط آن عصر و مشکلاتی که برای زنان وجود داشت، اجازه نمی‌داد که خداوند حضرت زهرا^(س) را ولی جامعه و امام جامعه قرار بدهد. شرایط یک نحوی بود که اجازه نمی‌داد... برای حضرت زهرا^(س) برطبق صحیفه‌ای که اصول کافی دارد بعد از پیغمبر^(ص)، جبرئیل امین هر روز می‌آمده و برای او مطالبی را می‌آورده و امیرالمؤمنین می‌نوشته است. امام خمینی^(ره) فرمود من چنین چیزی را در زندگی هیچ امامی ندیده‌ام.» (یوسف صانعی، ۱۳۷۸، ۶)

ایشان ادامه می‌دهد که «دلیل پیغمبر نشدن زهرا^(س) به رغم کوثر بودن و خبر کثیر بودن طبق آیه شریفه، شرایط اجتماعی جامعه بوده است که پذیرش آن را نداشته است و الا جنسیت در فضایل معنوی مؤثر نیست.» (صانعی، ۱۳۷۱، ۶)

هرچند امام خمینی^(ره) به طور صریح به دلایلی نظیر فشار متحجران یا شرایط نامناسب یا عدم پرسش از ایشان در باب تصدی‌گری کلان زنان به عنوان انتخاب شونده در پست‌هایی نظیر ریاست جمهوری، وزارت، نهاد رهبری یا شورای نگهبان مطلبی اظهار نداشته‌اند. اما دست کم اجماع گفته شده فقیهان نسبت به نفی صلاحیت هرگونه سیطره و امارت زنان در قلمرو عمومی، فاقد مبنا و مستند فقهی لازم است. شیخ محمد مهدی شمس‌الدین عالم برجسته لبنانی آن را به طور دقیق بررسی و رد کرده است. (محمد مهدی شمس‌الدین، ۱۳۷۱)

آیت‌الله جناتی نیز آن را از حیث روایات و واقعیات نفی کرده است. (آیت... جناتی، ۱۳۷۸، ۱۱۴) به نظر اشرف بروجردی کاربرد واژه «رجال سیاسی» در قانون اساسی و قابلیت تفسیر آن نیز بر این ابهامات افزوده است و توجه به عنصر زمان

و مکان در اجرای احکام فقهی مربوط به زنان از دیدگاه امام خمینی^(ره) ضروری است. (اشرف بروجردی، ۱۳۷۸، ۷۵)

از مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی درباره ریاست جمهوری برمی آید که دو دیدگاه موافق و مخالف وجود داشته است و در نهایت واژه انعطاف پذیری^{۲۰} «رجال سیاسی» در آن قید شده است که بحث جواز یا منع حضور زنان را همچنان مفتوح گذاشته است. (قانون اساسی، جلد سوم، ۱۳۷۱) تصدی منصب قضاوت و بالطبع مقامات عالی قضایی برای زنان منع شده است.

در اندیشه‌های اهل سنت، طنطاوی شیخ‌الآزهر در باب وضعیت شرعی زنان به عنوان انتخاب شونده و بویژه انتخاب به عنوان قاضی می‌گوید: «اسلام هیچ شغلی را برای زنان ممنوع نکرده است. در قرآن و گفته‌های پیامبر^(ص) حرف صریح و روشنی نیست که به موجب آن زن از قضاوت منع شود. با این حال زنان نباید برای قاضی شدن هجوم بیاورند. زیرا طبیعت این شغل مناسب زنان نیست.» (سیده شادلو، ۱۳۷۱، ۱۲۰)

کودک دختر

طرح مسئله. کودک مؤنث، دختر امروز و زن فرداست (سند بکن، بند ۳۹، ص ۳۴). اما آنان به اشکال گوناگون در معرض تهدید و خشونت جسمی نظیر خرید و فروش، روسپیگری، ازدواج زود هنگام، فقر بهداشت و تبعیض علیه دختران در تخصیص غذا و رویه‌های دیگر زندگی قرار دارند (همان، بند ۲۵۹، ص ۱۸۷ و ۱۹۲) یا ممکن است از نظر روحی و معنوی نظیر ترجیح در امر تحصیل و محبت‌ورزی و احترام گذاری در معرض تبعیض قرار گیرند. ریشه اصلی این‌گونه ترجیحات و اقدامات

علیه کودک دختر، ترجیح فرزند پسر در خانواده‌ها و اجتماع است که باید از طریق شخصیت‌های تأثیرگذار، رسانه‌ها و محتوای کتب درسی، ذهنیتها تغییر یابد (سندپکن، ص ۱۹۳).

دیدگاه امام خمینی (ره)

اگر دیدگاه عرفانی امام خمینی (ره) به عنوان یک عارف در باب جنس مؤنث در نظر گرفته شود زمانی که سیره عملی ایشان در بسیج اجتماعی که بر رفتار و پیشقدمی زنان تأکید می‌ورزیدند و یا سیره عملی ایشان در پرتو خاطرات و نوشته‌ها بررسی شود، بخوبی عنایت ویژه و حتی عنایت بیشتر امام خمینی (ره) به کودکان دختر آشکار می‌شود. خاطره خانم زهرا اشراقی از نوه‌های امام خمینی (ره) این نظر را تقویت می‌کند:

«امام به بعضی از خانم‌های فامیل که می‌خواستند وضع حمل کنند، می‌فرمودند: دعا کنید که بچه شما دختر باشد، برای اینکه دختر به مراتب بهتر از پسر است.» (محمد منصور نژاد، ۱۳۸۳، ۳۱۸)

سیره عملی درباره کودک دختر. خانم فریده مصطفوی دختر امام خمینی (ره) در باب اهتمام امام به کودکان دختر می‌گوید:

«امام از اخوی شهیدم خواسته بودند که به من درس بدهند. من نیز سالها در خدمت برادر شهیدم به تعلیم علوم قدیمه مشغول بودم. امام در دوره‌ای، چنین مقرر کرده بودند که بسیاری از زنان از تحصیل منع می‌شدند. ایشان همچنین در دوره‌ای که بسیاری از مردم بین اولاد پسر و دختر تفاوت‌های فاحشی قایل بودند، با بچه‌های خود به گونه‌ای رفتار می‌کردند که کوچک‌ترین تبعیضی در آنان ایجاد

نمی‌شد. در واقع حضرت امام با این رفتار خود با اعمال متحجرانه به شدت مبارزه می‌کردند.» (بی‌نا، جلد ۱، ۱۳۷۹)

حقوق بشر مربوط به زنان

طرح مسئله. در این محور حقوق بشر مربوط به زنان و کودکان دختر در سراسر چرخه حیات به عنوان بخش جدایی ناپذیر، پیوسته و غیرقابل تقسیم در حقوق بشر عام مورد توجه قرار گرفته و بر برخورداری آنان از جمیع حقوق برابر و آزاد یهای بنیادی تأکید شده و وظیفه دولتها و سازمان ملل متحد را در این حوزه یادآور شده است. (سند پکن، ۲۱۳، ۱۵۶)

- محور آن «کنوانسیون امحای جمیع صور تبعیض علیه زنان» است. این طور عنوان شده است که هنوز کشورهایی آن را نپذیرفته‌اند یا در عمل آن را اجرا نکرده‌اند یا حتی شرطهایی گذاشته‌اند که منافی هدف کنوانسیون است یا هنوز در بسیاری موارد قوانین ملی آنان در تعارض با مفاد کنوانسیون است یا رویه‌های سستی و عرفی که فراتر از قوانین موضوعه و ملی آن کشورها حکومت می‌کند، حقوق زنان را نقض می‌کند یا زنان دارای سواد حقوقی نیستند و از مفاد آن مطلع نیستند یا در صورت اطلاع، سازو کارهای قضایی برای پیگیری آن در اختیار ندارند. (سند پکن، ۲۱۵، ۲۲۵)

- فراتر از آن مسئله «نابرابری زنان بامردان در قوانین و عمل» فارغ از هر گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقاید سیاسی، منشأ ملی یا منزلت اجتماعی، دارایی، منزلت تولد و منزلتهای دیگر طرح شده است. وجود مواردی از نابرابری در قانون اساسی و قوانین ملی و عرفی در عرصه‌های حقوق

خانواده، مدنی، جزایی، کار و تجارت و جانبداری جنسیتی و نابرابری با مردان در تصدی مقامهایی چون قضات، و وکلای مدافع و جز آن متذکر شده است.

- تلاش در جهت تضمین حقوق زنان در «سلامت زادآوری» یعنی تصدیق حق زوجین در تصمیم‌گیری در مورد شمار، فاصله و زمان فرزند آوری و مناسبات برابر میان زن و مرد در روابط جنسی و احترام متقابل و برابر به حیثیت طرفین و مسئولیت مشترک نسبت به رفتار جنسی و پیامدهای آن است (سند پکن، بندهای ۹۴، ۹۵، ۹۶ و ۲۳۲).

این محور بحث‌انگیزترین محور در حقوق زنان از دیدگاه امام خمینی (ره) است. بحث عمیق‌تر آن نیازمند بررسی محتوای «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» و سپس بررسی مقایسه‌ای از جهت تعارض یا موافقت است مواد ۲ و ۳ به طور کلی و مواد ۹ و ۱۵ و ۱۶ به طور خاص در این بخش در تعارض با ارزشهای اسلامی و ایرانی است در سایر مواد مشکل حادی وجود ندارد.

کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان. یکی از متونی که در تهیه و تدارک مسئله شناسی زنان در این بخش می‌توان از آن بهره گرفت، «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، ۲۷ آذر ۱۳۵۸ در مجمع عمومی سازمان ملل است که براساس بنده ماده ۲۷ از تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (سوم سپتامبر ۱۹۸۱) لازم‌الاجرا شده است.

ماده ۱. تعریف تبعیض علیه زنان. به هرگونه تمایز، استثنا (محرومیت) یا محدودیت براساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزارهای اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی مدنی یا هرزمینه‌دیگر، توسط زنان اطلاق می‌گردد. در این ماده مفهوم «تبعیض» تعریف شده است.

ماده ۲ و ۳. وظیفه دول عضو در امر قانونگذاری. روح این ماده و بندهای متعدد آن، قانونگذاری است. دول عضو را متعهد می‌کند که اولاً: اصل مساوات زنان و مردان را قانون اساسی و قوانین مرتبط دیگر درج کنند؛

ثانیاً: به تصویب قوانین لازم جهت تحقق این مساوات و رفع تبعیض پردازند؛ ثالثاً: به فسخ قوانین معارض قبلی پردازند و بویژه به فسخ مقررات کیفری که موجب تبعیض علیه زنان می‌شود، اقدام کنند.

ماده ۵. وظیفه دول عضو در اصلاح هنجارهای اجتماعی و فرهنگی. در این ماده به ضرورت اصلاح «عرف یا رفتارهای موجود اجتماعی» از سوی دول عضو اشاره می‌کند. «تعديل الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات.... که بر تفکر پست‌نگری یا برترنگری هریک از دو جنس یا تداوم نقشهای کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار است».

ماده ۶. وظیفه دول عضو در مبارزه با روسپی‌گری زنان.

ماده ۷ و ۸. وظیفه دول عضو در حمایت از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان

در اشکال:

(الف) انتخاب کردن و حق رأی

(ب) انتخاب شدن و تصدی سمتهای دولتی در همه سطوح

(ج) دخالت در تصمیم‌سازی سیاسی

(د) شرکت در سازمانها و انجمنهای غیردولتی

ه) اعطای فرصت به زنان در قالب نماینده دولت در سطح بین‌المللی.
 ماده ۹. داشتن حق تابعیت مستقل از شوهر و عدم تغییر آن با ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر.

ماده ۱۵ و ۱۶. الزام دول عضو به رعایت حقوق مساوی مدنی زنان.

- دول عضو به زنان حقوق مساوی با مردان اعطا می‌کند.
- آزادی تردد (ماده ۱۶، بند ۴).
- آزادی انتخاب مسکن (ماده ۱۶، بند ۴).
- حق یکسان برای ورود به ازدواج (ماده ۱۷، الف)
- انتخاب آزادانه همسر و تحقق ازدواج با رضایت طرفین (۱۷، ب)
- حق مساوی در طی دوران زندگی (۱۷، ج)
- حق مساوی به هنگام طلاق (۱۷، ج).
- در مسائلی که به فرزندان مربوط می‌شود، منافع کودکان از اولویت برخوردار است (حضانت) (۱۷، ج)
- حقوق یکسان در مورد تصمیم‌گیری آزادانه نسبت به تعداد فرزندان (۱۷، ه).
- حقوق یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان (۱۷، و)
- حقوق فردی یکسان و حق انتخاب نام خانوادگی، شغل و حرفه (۱۷، ز)
- حقوق یکسان زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت و سرپرستی و بهره‌مندی از ملک (۱۷، ح).
- ابطال ازدواج کودک و ضرورت وضع قانون حداقل سن ازدواج (۱۷).

ملاحظه می‌شود تفسیری که کنوانسیون متأثر از رهیافت فمینیستی رادیکال می‌کند خود به مثابه «مسئله» برای کشورهای غیرغربی در می‌آید!! از زاویه‌ای دیگر می‌توان این مسئله‌شناسی را در سه محور دسته‌بندی کرد.^۱ مواد کنوانسیون که به منظور برابری زن و مرد تدوین شده است. به طور کلی سه بعد حقوق زن را در نظر گرفته است:

الف) حقوق مدنی و وضع حقوقی زن؛

ب) تولید مثل، نقش و حقوق زنان در آن (نکاح در روابط خانوادگی) حقوق خانواده.

ج) تأثیر عوامل فرهنگی در روابط زن و مرد.

الف - حقوق مدنی و وضع حقوق زن. ماده ۲ کنوانسیون، دول عضو را موظف به تغییر و نسخ همه مواد قوانین اساسی و موضوعه می‌کند که در مغایرت با تساوی زن و مرد است که در مواردی استثنایی و محدود مسئله واره می‌شود:

- ارزش شهادت زن در محاکم معادل مرد نیست.

- دیه زن نصف دیه مرد است.

در زمینه اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز مواردی از عدم تساوی وجود دارد: به موجب قانون اساسی مشاغلی مانند رهبری، عضویت در شورای نگهبان، ریاست جمهوری، ریاست قوه قضائیه و ریاست دیوان عالی کشور در انحصار مردان است. این موارد تصریحاً یا تلویحاً بیان شده است. همچنین حق قضاوت بر طبق موازین فقهی خاص مردان است.

۱. برای بررسی دسته‌بندی مسائل و مواد کنوانسیون بنگرید: زهرا گلدانی، ۱۳۸۲.

در زمینه‌هایی نیز از حیث قانون مشکل وجود ندارد، در اجرا مانع و مشکل وجود دارد. عواملی چون مصلحت نظم، فرهنگ جامعه، سلیقه‌ای عمل کردن مسئولان از این جمله است.

ب - حقوق خانواده. شاید بتوان گفت مهم‌ترین تعارضات کنوانسیون در حقوق زن در خانواده است.^۲

۱۶۵۵. کنوانسیون، حقوق زن در مقابل همسر مفصل است:

الف) در زمینه نکاح و انعقاد عقد، حق مساوی برای زن و مرد شناخته شده است. در قوانین داخلی موادی مانند موانع نکاح (ممنوعیت نکاح مسلمه با غیر مسلم و زن ایرانی با تبعه خارجی) و نیز لزوم اذن وی در نکاح "دختر باکره" از آن جمله است.

ب) حقوق مساوی زن در خلال ازدواج نیز تعارضاتی دارد.
- ریاست مرد در خانواده در تعارض با برابری است به تبع آن اقامتگاه، تابعیت، اشتغال، خروج وی از کشور تابعی از مرد و شوهر است.
- البته نفقه و مهریه استقلال مالی زن را تقویت می‌کند (نقطه قوت است).
- حداقل سن ازدواج (۹ سال تمام قمری) با معیارهای کنوانسیون تناسب ندارد.

ج) حقوق مساوی زن در زمان انحلال عقد نکاح (طلاق).

۲. برای بررسی شبهه‌شناسی و مسئله‌شناسی از حیث ایرانی آن و تقسیم‌بندی وضعیت هریک از آنها بنگرید به: زهرا گلدانی، ۱۳۸۳، صص ۲۴۰-۲۰۰. وی تعارضات موضوعه حکومتی، تعارضات مسلمه شرعی و غیرقابل رفع و تعارضات غیرمسلم و قابل بحث را سه گونه از این مسائل و شبهات دانسته است.

- حق طلاق در انحصار مردان است.

- بعد از طلاق نیز حضانت، ولایت و قیمومیت فرزند با پدر است.

- عده نگه داشتن زن برخلاف مرد، به دلیل حمایت از حقوق کودک و

حفظ حق نسبت و برخورداری از حمایت مادی و معنوی پدرش. (زهرادار، ۱۳۷۹، ۱۵۶)

ج - تأثیر عوامل فرهنگی در روابط زن و مرد. در این قسمت تعارضی در

ایران مشاهده نمی‌شود.

مرتوس و همکاران در بخشی مستقل با عنوان "حقوق انسانی زنان در

خانواده» به حقوق زنان در حوزه خانواده پرداخته‌اند که بیشترین تعارضها با

هنجارهای فقه اسلامی را نشان می‌دهد. می‌توان مضامین و محورهای کلی آن را

به شرح ذیل خلاصه کرد:

- تعریف خانواده در جوامع غربی و شرقی

شرقی: خانواده مرکب از شوهر، زن، فرزندان و شوهر رئیس خانواده است.

غربی: واقعیت زندگی خانوادگی [در غرب] برای زنان با این تعریف وفق

نمی‌دهد. خانواده‌ها در آنجا بعضاً از اعضای خانواده گسترده نسلهای گوناگون،

زوجهای همجنس باز و انواع دیگر تشکیل می‌شوند. در منطقه‌های توسعه یافته،

ازدواجها کم شمارتر و کم ثبات‌تر شده‌اند؛ در بسیاری از موارد، قبل از آنکه

ازدواج رسمی صورت پذیرد، افراد دوره‌های زندگی مشترک را (بدون ازدواج) با

یکدیگر می‌گذرانند. در بسیاری از موارد افراد تعدادی همدم و همبسترهای

مختلف دارند (مرتوس، ۱۳۸۲، ص ۹۴)

- مقام رئیس خانواده و تصمیم‌گیری و تبعات آن برای زنان

- تبعات انگاره مرد رئیس خانواده و نان‌آور بودن برای زنان
- مشکل کسب حضانت فرزندان
- مشکل تابعیت در قوانین مهاجرت
- عدم ملاحظه نقش زنان در خانواده‌ها
- تنظیم برنامه دولتها در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ارث‌بری و دادن اعتبارات بر مبنای پیش فرض «رئیس خانواده بودن مردان»
- در کانون توجه و حمایت قرار گرفتن بیشتر مردان در کمکهای اجتماعی دولت

توضیح: در موارد زیر زنان رئیس و سرپرست خانواده‌اند:

- در مناطق دارای کشمکش مسلحانه (تا ۸۰ درصد زنان)
- مطلقه بودن (جدایی از همسر)
- بیوه بودن (مرگ همسر)
- مجرد بودن زنان یا زندگی آنان با زن دیگر یا با سایر اعضای خانواده
- موقعیت پناهندگی یا مهاجرت در نتیجه جنگ یا به دلایل اقتصادی (مرتوس، ۱۳۸۲، ص ۹۶).

تبعیض در درون خانواده

- بدترین موارد نقض حقوق انسانی زنان در درون خانواده رخ می‌دهد.
- حقوق زنان در مورد زمین، ارث‌بری در خانواده‌ها محدود است.
- خانواده آزادی زنان را در مشارکت سیاسی و تعلیم و تربیت محدود می‌کند.

- خانواده؛ زنان را به کارهای بی‌مزد و بی‌اهمیت وادار می‌سازد(ص ۹۹).
- هرگونه تلاش برای تغییر این وضعیت و تغییر قوانین طلاق، حضانت و مالکیت با مخالفت رهبران مذهبی روبرو می‌شود (ص ۹۹).
- فرهنگ و سنت بیش از قوانین رسمی در زندگی زنان تأثیر دارد (ص ۹۹).
- زنان در برخی از کشورها نمی‌توانند طلاق بگیرند؛ یا چنانچه مورد تجاوز جنسی واقع شوند به جرم زنا محصنه کیفر می‌بینند، نمی‌توانند سقط جنین کنند(ص ۹۹)

زنان و ازدواج

- آزادی درانتخاب همسر
- سن پایین ازدواج دختران
- محدودیت زنان در ازدواج با مردان خارجی
- محرومیت زنان از تابعیت به هنگام ازدواج با مردان با ملیت خارجی
- قوانین مصرح بر اینکه ملیت پدر، تعیین کننده تابعیت فرزندان است(ص ۱۰۷).

کار در خانه

شناسایی و به رسمیت شناختن خدمات زنان در خانه، قوانین اسلام پیشتر این کار را کرده است.

بحث‌انگیزترین محورهای کنوانسیون و اجلاس پکن و سایر اجلاسهای جهانی زنان به همین محور برمی‌گردد. زیرا بیشترین تعارضات را با ارزشهای فرهنگی، احکام فقهی و قوانین ملی و مدنی ایران دارد. آنچه در اندیشه امام خمینی^(ره) در این باره وجود دارد؛ عمدتاً موارد کلی است و در جزئیات هریک از مسئله وارگی‌ها ایشان مطلب صریحی بیان نکرده‌اند.

اصل انفعال ناپذیری و حفظ هویت ملی و اسلامی و ارزشهای اسلامی و استقلال فکری و عدم تأثیرپذیری از فشارها و ارزشهای غربی که در قالب مواد حقوقی و کنوانسیونهای مختلف گنجانیده شده است.

اصل اخذ عناصر مثبت و پیشرفتهای نظری و مادی غرب و نفی فساد و انحطاط اخلاقی غربیان و رویکرد انتقادی و اجتهادی در اقتباس عناصر تمدن غرب در اینجا نیز راهگشاست. طبیعی است که توصیه‌های تلویحی و تصریحی در جواز و مشروعیت هم جنس بازی و حق زنان مجرد و حق سقط جنین ناشی از روابط ناسالم و سایر بی‌بند و باریهای اخلاقی نمی‌تواند در این دیدگاه مقبول واقع شود. در عین حال عناصر مثبتی وجود دارد که می‌تواند اخذ شود.

اصل عدم جانبداری اسلام از قشر خاص مثلاً مردان و اعلام نظر و صدور احکام علیه قشر دیگر از اصول دیگری است که در دیدگاه‌های امام خمینی^(ره) عنوان شده است.

«اسلام با همه مظاهر تمدن موافق است. مگر آنچه که به آسایش ملت لطمه وارد آورده و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد.» (صحیفه نور، جلد ۴، ۱۹۲)

در عین حال عنایت اسلام به زنها به دلیل مظلوم واقع شدن آنان بیشتر از مردان

بوده است.

«اسلام وقتی که ظهور کرد در جزیره‌العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که به مردان دارد.» (صحیفه نور، جلد ۱۳، ۲۸۹)

«اسلام به زنها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها، اسلام زنها را بیشتر حقوق‌شان را ملاحظه کرده است تا مردها.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۲۲۱)

در همه مواردی که سخن از ارتقای منزلت و افزایش حقوق و عنایت بیشتر است، امام خمینی^(ره) وضعیت زنان در زمان ظهور اسلام در جزیره‌العرب را مد نظر قرار داده است. آیا این عنایت ویژه صرفاً به دوران صدر اسلام برمی‌گردد یا امری مستمر و همیشگی است؟ یعنی شامل دوران فعلی نیز می‌شود. در مواردی امام این عنایت ویژه را به دوره‌ی حال نیز تسری می‌دهند. مثلاً حکم به آزادی زنان کارمند و گروگان سفارت آمریکا می‌دهد. با این استدلال که اسلام برای زنان عنایت ویژه و حقوق ویژه‌ای قایل است.

«برای آنکه اسلام برای زنها حقوق ویژه‌ای قائل است....» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ۱۹۵)

اگر این «عنایت ویژه» اصلی همیشگی است می‌توان وضعیت عرفی حقوق زنان را در مقیاس جهانی در نظر گرفت و به همان تناسب که اسلام در جاهلیت قبل از اسلام، حقوق آنان را ارتقاء داد، در این زمان نیز به همان میزان باید اقدام شود.

اصل تناسب با رشد، توانمندی، به افزایش حقوق سیاسی و تکالیف اجتماعی پرداختن، اصل دیگر می‌تواند باشد. مقوله بلوغ و افزایش قدرت و توانمندی و متناسب با آن افزایش تکلیف و تصدی‌گری یکی از اصول فقهی است.

«اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی به عهده بگیرد.» (صحیفه نور، جلد ۳، ۱۰۱)

برخی از احکام احوال شخصیه که ظاهراً آزادیهای زن وی را محدود می‌کند و مرد را در موقعیت برتری قرار می‌دهد، بویژه در عقد و قرارداد ازدواج می‌تواند آگاهانه در حین عقد ازدواج و با استفاده از سازوکار «شرط ضمن عقد» خنثی شود. امام آشکارا برای افزایش حقوق زنان گره‌گشایی متدلوزیک فقهی می‌کند. این بدان معنا می‌باشد که مثلاً مورد حق «وکالت در طلاق» از سوی زن که به عنوان «شرط ضمن عقد» امام خمینی^(ره) پیشنهاد کرده است می‌تواند به جای «شرط» به «شروط ضمن عقد» تبدیل شود و به بسیاری از مسئله‌واره‌های زنان که در «حقوق زن در خانواده» است، تسری پیدا کند.

«زنانی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار دهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، مثلاً می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت یا اگر بدرفتاری با زن کرد، زن وکیل باشد در طلاق.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۱۵۳)

در عین حال امام می‌پذیرد که اسلام محدودیتهایی برای زنان و مردان به طور مساوی قایل شده است، اما این محدودیتها و منعها مبتنی بر مصلحتی است که در فلسفه وجودی آن احکام نهفته است و بهتر است تعبدی به‌دان رضایت داشته باشند.

«خداوند همانطور که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد، دارد درزنها هم دارد، همه برای صلاح شماست، همه قوانین

اسلامی برای صلاح جامعه است.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۲۲۱)

«برای همه یک محدودیتهایی هست، محدودیتهای شرعی و الهی، محدودیتهایی است که به صلاح خود جامعه است.» (صحیفه نور، جلد ۱۱، ۲۵۴)

برای افزایش «حقوق زن در خانواده» و جلوگیری از ظلم و ستم احتمالی مرد علیه زن، سازوکار اختیارات ولایت فقیه و مجتهدان نیز راهگشاست، تا با استفاده از اختیارات ویژه خود علی‌رغم آنکه حق طلاق در انحصار مردان است به احقاق حقوق زنان پرداخته و پس از طی مراحل، زن را طلاق دهد.

«از شئون فقیه هست که اگر چنانچه یک مردی با زن خودش بد رفتار باشد. او را اولاً نصیحت کند ثانیاً تأدیب کند و اگر دید نمی‌شود اجرای طلاق کند.» (صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۸۷)

«اگر مردی با زنی بد رفتاری کرد، اسلام او را منع می‌کند و اگر گوش نداد، او را حد می‌زند و اگر گوش نکرد، «مجتهد» زن را طلاق می‌دهد.» (صحیفه نور، جلد ۵، ۱۵۴)

استفاده از سازوکارهای «حکم حکومتی» نه به گونه موردی، بلکه در قالب تغییر قوانین موضوعه بنابه احراز مصلحت سنجی‌های خاص نظیر «برابر سازی دیه مسلمانان و اقلیتهای مذهبی» در حقوق زنان در خانواده یا اجتماع یا عرصه فعالیت‌های سیاسی نیز می‌تواند بخشی از مسئله‌وارگی حقوق زنان را برطرف سازد.

موضوع شناسی دقیق پدیده‌ها و بررسی این دیدگاه که آیا مسئله زنان در قرن بیست و یکم موضوع جدیدی است یا همان موضوع قدیمی نیز از جمله مباحث دیگر است. در صورتی که بفررض، به موضوع جدیدی تبدیل شده باشد، حکم جدیدی می‌طلبد و احکام قبلی معتبر نخواهد بود.

در هر تقدیر در موارد فراوان و در عین حال جزئی، حقوق زنان در خانواده و در موارد کلانی در باب حقوق زن در جامعه و نیز حقوق زن در قلمرو عمومی (دولت) مسئله‌وارگی

زنانگی وجود دارد که امام خمینی (ره) به صورت مصداقی و خاص متعرض آن نشده‌اند.

شیء وارگی زنان

مسئله اصلی زنان از دیدگاه امام خمینی (ره) از جاهلیت قدیم تا عصر جدید، مسئله شیء وارگی زنان است

اشکال این شیء وارگی در عرصه‌های گوناگون علیه زنان در جریان است: شیء وارگی در عرصه سکس، مطبوعات، رسانه‌های گروهی و ارایه تصاویری کلیشه‌ای از زنان در این عرصه، زنان را مساوی مفهوم سکس و عیاشی مردانه قرار داده است و آنان را از منزلت انسانی خود تا حد حیوانی در خدمت لذات جنسی مردانه تنزل داده است.

همین شیء وارگی در عرصه‌های اقتصادی و تجاری، به مثابه ابزاری در خدمت تبلیغات تجاری سرمایه‌داری برای دلربایی از مشتریان و جذب آنان درآمده است. این حوزه نیز در تنزل و انحطاط منزلت انسانی زنان سهم عمده‌ای دارد.

شیء وارگی زنان در عرصه سیاسی نیز شکل‌های پیچیده‌تری از فرآیندی را رقم زده و می‌زند که منجر به ستم به زنان می‌شود.

این شیء وارگی‌ها به نوبه خود در چرخه حیات موجب بروز حلقه دیگر مسئله وارگی می‌شود و آن را "بهمن وار" افزایش می‌دهد. به طور مثال شیء وارگی سکسی زنان موجب افزایش خشونت علیه زنان در خانواده، اجتماع و در مقیاس جهانی (در قالب توریسیم جنسی یا خرید و فروش زنان) می‌شود.

یکی از ابزارهای اصلاح نگرش و رفتارها در این زمینه، مقوله «حجاب زنان» است. حجاب از دیدگاه امام موجب می‌شود تا زنان منزلت خود را به دست آورند و از شیء‌وارگی رها شوند.

شیء‌وارگی به مثابه «مسئله» برای زنان در کانون آموزه امام خمینی^(ره) قرار دارد. موضوعی که چون به استفاده ابزاری از زنان مرتبط است و نیز به مفهوم «از خود بیگانگی» رابطه دارد، موضوعی است که بسرعت و بشدت می‌تواند کالایی جذاب و پرمخاطب برای کل زنان جهان باشد. از این سو می‌توان دیدگاه‌های انسانی و اسلامی دیگر را نیز بتدریج جا انداخت. درعین حال مفهومی تحمیلی بر افکار امام هم نیست. بلکه امام چه در وجه ایجابی و چه در وجه سلبی و با تعبیر صریح یا ضمنی آن را بیان کرده‌اند و جلوه‌های پراکنده‌ای از آن در بخشهای تحقیق ارایه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

۱. ابراهیم برزگر، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی^(ره)، تهران چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۲. امام خمینی^(ره)، روح‌ا...، استفتانات، جلد ۱ قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
۳. افسانه نجم‌آبادی، نگاه زنان (مجموعه مقالات)، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۷.
۴. امام خمینی^(ره)، صحیفه‌نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۲ جلد.
۵. امام خمینی^(ره)، کوثر، جلد اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی^(ره)، ۱۳۷۳.
۶. امیررضا ستوده (گردآورنده) پا به پای آفتاب، گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی^(ره)، تهران، نشر پنجره، ۱۳۸۰، ۶ جلد.
۷. آیت‌الله علی جنتی حجاب و آزادی، مجموعه مقالات کنفرانس.
۸. رابرت دال؛ تجزیه و تحلیل جدید سیاست.
۹. تبیان، دفتر هشتم، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی^(ره)، تهران مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی^(ره).
۱۰. جولی مرتوس با همکاری نفسی فلاونوز، ملیکادات؛ آموزش و پرورش حقوق انسانی زنان و دختران، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۸۲.
۱۱. حسن طفرانگار، حقوق سیاسی، اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۲. حسین بشیریه؛ مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
۱۳. حمیدرضا منفرد، ایدئولوژی انقلاب ایران.
۱۴. خدیجه سفیری؛ جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.
۱۵. رام‌پناهی. ناهید اعظم، مجموعه تحقیقات علوم انسانی در حوزه مسائل زنان، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان. ۱۳۸۲.
۱۶. زن و مشارکت سیاسی، اجتماعی، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۰.
۱۷. زهرا داور و همکاران، ارزیابی حقوقی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، تهران، ۱۳۷۹.

۱۸. زهرا گلدانی، حقوق زنان، انقلاب اسلامی و فرآیند جهانی شدن، تهران، پژوهشکده امام خمینی^(۱۱) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۹. سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کارپایه عمل و اعلامیه پکن. ترجمه علی آرین. علی میرسعید قاضی، تهران. دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵.
۲۰. سید حسن صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۲۱. سیدعلی حسینی، محیط زیست از دیدگاه اسلام، تهران، آیه حیات، ۱۳۸۰.
۲۲. سیده شادلو، سیمای زن در جهان معاصر: مصر، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۷۷.
۲۳. سیده شادلو، سیمای زنان جهان، مصر، تهران، برگ زیتون، ۱۳۷۷.
۲۴. شمس‌الدین، محمدمهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، بعثت، ۱۳۷۶.
۲۵. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد سوم.
۲۶. عباس محمدی اصل، جنسیت و مشارکت، درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۳.
۲۷. عبدالرسول هاجری، فمینیسم جهانی و چالشهای پیش‌رو؛ قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۲۸. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جهان؛ قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
۲۹. فاطمه مرینی؛ زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن پوش: برداشتی از حقوق زن در اسلام، ترجمه ملیحه مغازی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۳۰. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، قم معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۱. مجموعه مصاحبه‌ها و گفتمانهای علمی. کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی^(۱۲)، تهران، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی^(۱۳)، ۱۳۷۸.
۳۲. محمد منصورنژاد، مسئله زن، اسلام و فمینیسم؛ تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۳.
۳۳. محمد حسین حافظیان، زنان و انقلاب، تهران، اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
۳۴. محمدرضا تاجیک، غیرت و هویت.
۳۵. محمدمهدی شمس‌الدین، اهلیه المراه للسلطه، بیروت، مؤسسه المقار، ۱۹۹۵.
۳۶. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، قم صدرا، ۱۳۵۹.

۳۷. مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۳۸. مهرانگیز کار، حقوق سیاسی زنان، تهران انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
۳۹. مهرانگیز کار، حقوق سیاسی زنان، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۶.
۴۰. مهرانگیز کار، مشارکت سیاسی، موانع و امکانات، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
۴۱. ۱۳۸۰.
۴۲. میشل فوکو، ایرانیها چه رؤیایی در سردارند.
۴۳. -مرتوس و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۵
۴۴. همان، ۱۳۸۲، ص ۲۵۵.
۴۵. صحیفه نور، جلد ۹، ص ۱۳۶، ۱۳۵۸/۶/۲۵.
۴۶. صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۰۷، ۱۳۵۸/۱/۴.
۴۷. صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۵۴، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲.
۴۸. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۶۷.
۴۹. صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۲۱، ۱۳۵۸/۱/۹.
۵۰. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۶۴.
۵۱. بنگرید به رابرت دال؛ تجزیه و تحلیل جدید سیاست.
۵۲. صحیفه نور، جلد ۹، ص ۱۱۰، ۱۳۵۸/۶/۲۲. بیانات امام در جمع گروهی از بانوان.
۵۳. صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲۱۱، ۱۳۶۱/۱۲/۲۲. بیانات در جمع گروهی از بانوان.
۵۴. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۷۰، ۱۳۵۹/۶/۱۹. در جمع شرکت کنندگان کنفرانس زن.
۵۵. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۵۰، ۱۳۵۹/۱۱/۱۸. در جمع اعضای هیئت تحریریه مجله اطلاعات بانوان.
۵۶. استفتانات، جلد ۱، ص ۱۳، به نقل از تبیان، ص ۶۴.
۵۷. استفتانات، جلد ۱، ص ۱۳، به نقل از تبیان، ص ۶۴.
۵۸. -امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۷۲، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶، (تاریخ قرائت ۱۳۷۸/۳/۱۵). به نقل از آیین انقلاب اسلامی، ص ۳۱۲.
۵۹. امام خمینی، صحیفه نور، ص ۱۵۳، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵.
۶۰. همان، جلد ۱۱، ص ۱۶۲، ۱۳۵۸/۱۰/۱۰.
۶۱. همان، جلد ۶، ص ۱۹۴، ۱۳۵۷/۲/۱۷.

۶۲. تبیان، دفتر هشتم، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی؛ ص ۱۷۵، از اسناد منتشر نشده مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی، شماره ۲۴۶.
۶۳. بنگرید به حسین بشیریه؛ مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، فصل رفتار سیاسی زنان.
۶۴. امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۲۲، ص ۲۱۹، ۱۳۵۸/۱/۲۱. عباس محمدی اصل در کتاب خود رفتار سیاسی زنان ایران را از زاویه "قدرت یعنی امکان تحمیل و تأثیر یک فرد بر رفتار دیگری" بررسی کرده است. بنگرید: عباس محمدی اصل، جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۳، ص ۵۷.
۶۵. همان، جلد ۱۶، ص ۱۲۶-۱۲۵، ۱۳۶۱/۱/۲۵.
۶۶. همان جلد ۷، ص ۴۷، ۱۳۵۸/۳/۱۱.
۶۷. همان، جلد ۱۱، ص ۲۲۵-۲۵۳، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲.
۶۸. همان، جلد ۸، ص ۱۷۶-۱۷۸، ۱۳۶۳/۷/۳.
۶۹. همان، جلد ۸، ص ۱۷۶-۱۷۸، ۱۳۵۸/۷/۳.
۷۰. همان، جلد ۹، ص ۲۳۶-۲۳۲، ۱۳۵۸/۷/۸.
۷۱. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۲۶۳، ۱۳۶۳/۱/۱۹.
۷۲. صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۸۳، ۱۳۵۹/۲/۲۳.
۷۳. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۲۳۳، ۱۳۵۷/۱۰/۲۵.
۷۴. صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۲۳۴، ۱۳۵۸/۹/۵.
۷۵. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۵۹، ۱۳۵۷/۹/۲۰.
۷۶. صحیفه نور، جلد ۵، صفحه ۲۴۱، ۱۳۵۸/۱/۱۰.
۷۷. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۳۳-۳۴، ۱۳۵۷/۹/۱۶. بیانات در پاریس.
۷۸. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۱۰۳، ۱۳۵۷/۱۰/۷.
۷۹. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۳۳-۳۴، ۱۳۵۷/۹/۱۶. بیانات در پاریس.
۸۰. مهرانگیز کار، حقوق سیاسی زنان، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۶ ص ۸۵
۸۱. محمد مهدی شمس‌الدین؛ اهلیه المرأة اللسلطه، بیروت، مؤسسه المفار، ۱۹۹۵
۸۲. استفتانات، ج ۱، ص ۲۱، به نقل از تبیان ۸، ۱۳۷۴، ص ۷۷.
۸۳. اصغر افتخاری، قدرت و جنسیت زن؛ و قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره)، در مرکز مشارکت امور زنان - ریاست جمهوری؛ تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۰، ص ۲۸.

- ۸۴ صحیفه نور، جلد ۶، ص ۱۸۵، ۱۳۵۸/۲/۱۶.
- ۸۵ مصاحبه با آیت‌الله یوسف صانعی؛ مجموعه مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای علمی، کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶.
- ۸۶ مصاحبه با آیت‌الله یوسف صانعی؛ مجموعه مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای علمی، کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶.
- ۸۷ همان، ص ۷.
- ۸۸ همان، ص ۷.
- ۸۹ شمس‌الدین، محمدمهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، بعثت، ۱۳۷۶.
- ۹۰ آیت‌الله جنایی، زن و مسائل اجتماعی و سیاسی از نگاه مبانی اجتهادی، مجموعه مقالات، جلد اول، ۱۳۷۸، صص ۱۱۴-۱۰۵.
- ۹۱ اشرف بروجردی، بازخوانی نقش سیاسی و اجتماعی زنان در اندیشه و سیره امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی، جلد اول، ۱۳۷۸، صص ۷۵-۷۴.
- ۹۲ صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد سوم، ص ۱۷۷۱-۱۷۷۰، به نقل از طفرانگار، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳.
- ۹۳ به نقل از سیده شادلو، سیمای زن در جهان، مصر، تهران، برگ زیتون، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.
- ۹۴ محمد منصورنژاد؛ مسئله زن، اسلام و فمینیسم؛ تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۳، ص ۳۱۸ به نقل از مجله حضور، شماره ۲۸، ص ۳۹۸.
- ۹۵ پا به پای آفتاب، جلد ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷-۱۳۶.
- ۹۶ سند پکن، ۱۳۷۵، بند ۲۱۳، ص ۱۵۶.
- ۹۷ همان، بندهای ۲۱۵-۲۲۵.
- ۹۸ زهرا داور و همکاران؛ ارزیابی حقوقی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۵۴-۱۵۶.
- ۹۹ صحیفه نور، جلد ۴، ص ۱۹۲، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰.
- ۱۰۰ صحیفه نور، جلد ۱۳، ض ۲۸۹، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵.

- ۱۰۱- صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۲۱، ۱۳۵۸/۱/۹.
- ۱۰۲- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۱۹۵، ۱۳۵۸/۸/۲۶.
- ۱۰۳- صحیفه نور، جلد ۳، ص ۱۰۱، ۱۳۵۷/۸/۹.
- ۱۰۴- صحیفه نور، جلد ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، در جمع گروهی از زنان قم.
- ۱۰۵- صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۲۱، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲، در میان اقشار مردم.
- ۱۰۶- صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۵۴، ۱۳۵۸/۱/۹، در جمع بانوان قم.
- ۱۰۷- صحیفه نور، جلد ۱۰، ص ۸۷، ۱۳۵۷/۸/۹.
- ۱۰۸- صحیفه نور، جلد ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، در جمع گروهی از زنان قم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی